از نقطه‌ی میزان تا خطِ مُرصع

(تحلیل مفهوم «نقطه» در رساله‌های خوشنویسی مجنون رفیقی هروی؛ بازخوانی نظام نظری آموزش خط در سده دهم)

چکیده

نقطه از بنیادی‌ترین مفاهیم در سنت خوشنویسی اسلامی است و از نخستین رساله‌های نظری این هنر تاکنون، همواره به‌عنوان معیار سنجش تناسبات حروف، مبنای شکل‌گیری ساختار هندسی خط و یکی از ارکان آموزش خوشنویسی مطرح بوده است. در میان رساله‌های فارسی خوشنویسی، آثار مجنون رفیقی هروی از منابع مهم دوره تیموری به شمار می‌روند که در آن‌ها مفهوم نقطه در بخش‌های مختلف رساله‌ها با تعابیر و کاربردهای گوناگون مطرح شده است. این پژوهش با هدف تحلیل مفهوم نقطه در سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» مجنون رفیقی هروی و تبیین جایگاه آن در نظام نظری و آموزشی خوشنویسی انجام شده است. ازاین رو، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که سه رساله مجنون چه جایگاهی در نظام نظری خوشنویسی دارد؟ پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر ماهیت کیفی است و با روش توصیفی–تحلیلی و رویکرد تحلیل متن تاریخی در چارچوب تاریخ اندیشه هنر انجام شده است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای از سه رساله مجنون رفیقی استخراج و پس از کدگذاری و طبقه‌بندی مفهومی، به‌صورت تطبیقی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که نقطه در اندیشه مجنون رفیقی تنها واحد اندازه‌گیری حروف نیست، بلکه معیار سنجش تناسبات حروف، مبنای هندسی شکل‌گیری ساختار خط، معیار آموزش و انتقال اصول خوشنویسی و ابزار ارزیابی کیفیت قلم و کتابت است. همچنین تحلیل تطبیقی سه رساله نشان داد که مجنون رفیقی با تکیه بر سنت نظری خوشنویسی، مفهوم نقطه را در قالب نظامی منسجم برای آموزش، سنجش و اجرای صحیح خط تبیین کرده و از این طریق پیوندی میان مبانی هندسی، روش‌های آموزشی و معیارهای زیبایی‌شناختی خوشنویسی برقرار ساخته است.

کلیدواژه: خوشنویسی، رسالات خوشنویسی، نقطه، مجنون رفیقی هروی.

مقدمه

خوشنویسی ایرانی ـ اسلامی، افزون بر آنکه هنری مبتنی بر مهارت عملی است، بر نظامی منسجم از اصول نظری، قواعد هندسی و معیارهای آموزشی استوار است که طی قرون متمادی در رساله‌های آموزشی خوشنویسی تدوین و انتقال یافته‌اند. این رساله‌ها تنها متونی آموزشی برای فراگیری شیوه کتابت نیستند، بلکه بخشی از میراث نظری هنر خوشنویسی به شمار می‌روند که در آن‌ها مبانی زیبایی‌شناختی، معیارهای سنجش حروف، شیوه آموزش، ابزارشناسی و نظام مفهومی خط تبیین شده است. بنابراین مطالعه این متون می‌تواند در بازشناسی تاریخ اندیشه خوشنویسی و تحول مفاهیم بنیادین آن نقش مؤثری ایفا کند.

بر طبق آرای محققان، نگارش رسالات خوشنویسی از جمله اقدامات مهم در باب خط و خوشنویسی و موارد مربوط به آن است که در حوزه تمدن اسلامی انجام گرفته است (امانی، ۱۴۰۲: ۱۱۵). در میان رساله‌های فارسی خوشنویسی، آثار مجنون رفیقی هروی از جایگاهی ویژه برخوردار است. وی، از خوشنویسان و شاعران برجسته مکتب هرات در اواخر سده نهم و نیمه نخست سده دهم هجری، سه رساله آموزشی با عنوان‌های «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» تألیف کرده است که از منابع معتبر آموزش خوشنویسی در دوره تیموری به شمار می‌روند. در این رساله‌ها، افزون بر مباحثی چون اصول و قواعد خط، آداب کتابت، معرفی ابزار خوشنویسی و جایگاه استادان این هنر، به مفهوم «نقطه» نیز به عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر نظام نظری و هندسی خوشنویسی پرداخته شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که «نقطه» در اندیشه مجنون رفیقی هروی صرفاً یک واحد اندازه‌گیری نیست، بلکه در پاسخ به این مسئله می‌تواند علاوه بر روشن ساختن جایگاه نقطه در آثار مجنون رفیقی، در شناخت ساختار نظری آموزش خوشنویسی کلاسیک و بازخوانی بخشی از تاریخ اندیشه هنر خوشنویسی ایران نیز مؤثر باشد. «نقطه» یکی از عوامل موثر در تشکیل اثر خوشنویسی محسوب می‌شود و در یک صفحه‌ی خوشنویسی، از هویت هندسی و تجسمی برخوردار است (پاک‌راد، ۱۳۹۳: ۷). نقطه در سنت خوشنویسی صرفاً اثری ناشی از تماس قلم با کاغذ نیست، بلکه واحد پایه اندازه‌گیری، مبنای تناسب حروف و معیار ارزیابی کیفیت اجرای خط محسوب می‌شود. شاید نخست تعریف نقطه در خوشنویسی ساده جلوه کند؛ اما با کمی ژرف‌نگری در گذشته تاریخ خوشنویسی، این مساله بهتر دریافت می‌شود. ابن‌مقله (۳۲۸- ۲۷۲ ه ق)، خوشنویس مشهور دربار عباسیان، بنیان قواعد خود را بر نقطه پایه‌گذاری نمود و در رسائل خود قواعد طراحی حروف از طریق دایره و نقطه، را بیان کرد. بعدها ابن‌بواب به سبب ذوق هنری، در قواعد ابداعی ابن‌مقله (استخراج خط از دایره) که بیشتر به هندسه و تناسبات ریاضی وابسته بود، تناسبات زیبایی در ریتم، حرکت و منحنی حروف به وجود آورد (خزائی، ۱۳۷۸: ۷۲). همچنین برای نخستین بار اندازه‌گیری خط با نقطه از زمان ابن‌بواب، خوشنویس مشهور اوایل قرن پنجم، شروع شد (فضائلی، ۱۳۹۲: ۸۷). از دوره ابن‌مقله و ابن‌بواب، نقطه به عنوان اساس طراحی هندسی حروف شناخته شد و در رساله‌های آموزشی پس از آن نیز جایگاه خود را حفظ کرد. با این حال، در دوره‌های متأخر، به‌ویژه هم‌زمان با رواج ادبیات

عرفانی در رساله‌های خوشنویسی، مفهوم نقطه افزون بر کارکرد فنی، واجد لایه‌هایی از معناهای نمادین و معرفتی نیز شد. علی‌رغم خوانش هندسی و علمی نقطه در قرن‌های نخست هنر خوشنویسی، در دوره تالیف رسائل و مکتوبات آموزشی خط مانند رسالات مجنون رفیقی هروی (نیمه اول قرن دهم هجری) جایگاه «نقطه» خوشنویسی در بستر عقاید عرفانی و افکار صوفیانه تفسیر شده (فدایی، ۱۳۹۹: ۵۲۲) و مولف، بنا بر روح حاکم بر آن دوره، فهم و بیان ویژه‌ای از اصطلاح «نقطه» ارائه داده است. ازاین‌رو، بررسی جایگاه نقطه در رساله‌های مجنون رفیقی می‌تواند تصویری روشن از نحوه تداوم و تحول این مفهوم در اندیشه خوشنویسی سده دهم هجری ارائه کند. مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده به بررسی جایگاه نقطه در ساختار بصری آثار خوشنویسی، مباحث زیبایی‌شناختی، یا تحلیل شیوه نگارش استادان خط اختصاص یافته است؛ در حالی که تحلیل نظام‌مند مفهوم نقطه بر پایه رساله‌های آموزشی مجنون رفیقی هروی، به‌ویژه با رویکرد تحلیل متن تاریخی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین، ضرورت بازخوانی این رساله‌ها را از منظر تاریخ اندیشه خوشنویسی آشکار می‌سازد.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد تحلیل متن تاریخی در چارچوب تاریخ اندیشه هنر، به مطالعه سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» می‌پردازد تا نشان دهد مفهوم نقطه در اندیشه مجنون رفیقی چه جایگاهی داشته و این مفهوم چگونه در قالب یک نظام نظری، هندسی تبیین شده است. در این پژوهش تلاش شده است افزون بر بازخوانی محتوای رساله‌ها، کارکردهای مختلف نقطه استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شود تا سهم این مفهوم در نظام نظری خوشنویسی کلاسیک روشن‌تر گردد.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. مفهوم نقطه در اندیشه مجنون رفیقی هروی چه جایگاهی در نظام نظری خوشنویسی دارد؟

۲. نقطه در سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» چه کارکردهای آموزشی، هندسی و فنی یافته است؟

نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار مفهوم نقطه را نه به عنوان یک اصطلاح منفرد، بلکه به منزله نظامی مفهومی در سه رساله مجنون رفیقی به صورت تطبیقی تحلیل می‌کند.

چارچوب نظری

این پژوهش بر پایه «تحلیل متن تاریخی» در چارچوب «تاریخ اندیشه هنر» انجام شده است. در این رویکرد، رساله‌های خوشنویسی نه صرفاً متون آموزشی، بلکه اسناد تاریخی حامل اندیشه‌های نظری مؤلف تلقی می‌شوند. بر این اساس، مفاهیم مطرح‌شده در متن رساله‌ها در بستر تاریخی و فکری زمانه مؤلف مطالعه و تحلیل می‌شوند تا نظام مفهومی حاکم بر اندیشه وی بازسازی گردد. در پژوهش حاضر، مفهوم «نقطه» به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شده است. بدین ترتیب، تمامی گزاره‌ها،

اصطلاحات، اشعار و توضیحاتی که در سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» درباره نقطه بیان شده‌اند، استخراج و سپس بر اساس کارکرد مفهومی آن‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. معیار تحلیل، صرف تکرار واژه «نقطه» نبوده، بلکه نقش و کارکرد آن در نظام نظری و هندسی خوشنویسی مورد توجه قرار گرفته است. در مرحله تحلیل، بر پایه تحلیل مفهومی داده‌های استخراج‌شده از سه رساله، کارکردهای نقطه در چهار محور مفهومی شامل: «نقطه به مثابه واحد اندازه‌گیری»، «نقطه به مثابه اصل هندسی»، «نقطه به مثابه معیار آموزش» و «نقطه به مثابه ابزار ارزیابی و آزمون قلم» سازمان‌دهی شده‌اند. سپس با بهره‌گیری از تحلیل تطبیقی، وجوه اشتراک و تفاوت این کارکردها در سه رساله بررسی و تفسیر شده است. این شیوه تحلیل امکان می‌دهد تا از سطح توصیف متن فراتر رفته و جایگاه نظری مفهوم نقطه در نظام نظری مجنون رفیقی هروی تبیین شود.

ضرورت اهمیت پژوهش

رسالات مشهور در آموزش خوشنویسی در بین پژوهشگران و خوشنویسان معاصر دارای اعتبار بوده و مکرر مورد استناد و استفاده قرار گرفته است. این منابع اصیل دارای نکات و محتوای آموزشی و تجربه‌های خوشنویسانه ارزشمند هستند که خوانش و بررسی محتوای مندرج در آن از اهمیت بالایی از برخوردار است. پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون رساله‌های خوشنویسی، یا به معرفی نسخه‌ها و مؤلفان پرداخته‌اند و یا جنبه‌های زیبایی‌شناختی و تاریخی خوشنویسی را بررسی کرده‌اند. از سوی دیگر، مطالعات موجود معمولاً هر رساله را به‌صورت مستقل مطالعه کرده‌اند و کمتر کوشیده‌اند مفهوم نقطه را به‌عنوان یک مفهوم محوری در مجموعه آثار یک مؤلف تحلیل کنند. بنابراین ضرورت و اهمیت این تحقیق از دو جنبه قابل ملاحضه است: جنبه علمی که به بازشناسی دقیق‌تر قواعد کلاسیک خوشنویسی و درک بهتر متون کهن که از منابع اصلی آموزش هستند؛ منجر شود. از جنبه هنری، بستری برای خوشنویسان مدرن جهت درک ریشه‌های فنی و علمی سبک‌های کلاسیک و مبانی زیبایی‌شناسی خط فراهم گردد. نظر به اینکه پژوهشی مستقل و قابل توجه بر مبنای تحلیل و تفسیر تالیفات مجنون رفیقی هروی کمتر انجام گرفته است؛ ضرورت تحقیق حاضر را برای بازخوانی این متون عیان می‌سازد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، کیفی است و با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده است. راهبرد اصلی پژوهش، تحلیل متن تاریخی است که در چارچوب تاریخ اندیشه هنر به بررسی مفاهیم نظری موجود در رساله‌های خوشنویسی می‌پردازد. جامعه پژوهش شامل سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» تألیف مجنون رفیقی هروی است که متن آن‌ها بر اساس کتاب رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته از حمیدرضا قلیچ‌خانی، مبنای مطالعه قرار گرفته است. واحد تحلیل، تمامی بخش‌هایی از این رساله‌هاست که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم نقطه، اندازه‌گیری حروف، تناسبات هندسی، شیوه آموزش خط و ارزیابی کیفیت کتابت مربوط می‌شود.

گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در مرحله نخست، تمامی فرازهای مرتبط با مفهوم نقطه از هر سه رساله استخراج شد. سپس این داده‌ها بر اساس شباهت مفهومی کدگذاری اولیه و در چهار مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد، با تحلیل تطبیقی مضامین استخراج‌شده، نحوه تحول و تداوم مفهوم نقطه در آثار مجنون رفیقی بررسی و تفسیر شد. به‌منظور افزایش اعتبار تحلیل، یافته‌های حاصل از رساله‌ها با دیدگاه‌های مطرح‌شده در منابع معتبر حوزه خوشنویسی و پژوهش‌های معاصر مقایسه شد تا میزان همخوانی یا تمایز دیدگاه مجنون رفیقی با سنت نظری خوشنویسی ایران مشخص شود. بر این اساس، نتایج پژوهش نه بر پایه نقل صرف متون، بلکه بر اساس تحلیل مفهومی و مقایسه میان داده‌های استخراج‌شده ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

آنچه تاکنون در رابطه با موضوع پژوهش مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته، می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

مقاله «اصول شناخت شیوه خوشنویسی میرعلی هروی با تکیه بر مطالعهٔ زاویه قلم‌گذاری و کرسی نقطه‌ها» (۱۴۰۲) از سیده فرشته حسینی رشتخوار، حمیدرضا قلیچ‌خانی، علی نعمتی بابای لو در نشریه هنرهای زیبا که هدف اصلی این مقاله شناخت اصول حاکم بر چلیپاهای منتخب میرعلی هروی بر اساس بررسی زاویه قلم‌گذاری، کرسی و پراکندگی نقطه‌ها از منظر اصول و مبانی هنرهای تجسمی در آثار منتخب وی بوده است. حمیدرضا قلیچ‌خانی در مقاله «بررسی اصالت رساله مداد الخطوط منسوب به میرعلی هروی در مقایسه با رساله خط و سواد از مجنون رفیقی» (۱۴۰۱)، نشریه پژوهش هنر، پس از معرفی دو خوشنویسی و دو رساله، با روش مطالعه تاریخی متن دو رساله با هم تطبیق داده است. در مقاله «تبیین وجوه زیبایی‌شناختی قواعد سیال فرم در هنر خوشنویسی (با استناد به رساله‌های خوشنویسی سده شم تا یازدهم)» (۱۴۰۱) از زهرا اورنگی، سید رضی موسوی گیلانی و احسان پورنعمان در فصلنامه الهیات هنر که نویسندگان در این مقاله به بررسی تنوع فرمی خطوط از منظر ویژگی فرمی، کاراکتری، کاربردی و کارکردی پرداخته است. همچنین کتاب «مخترع توامان: شرح حال، احوال و آثار مجنون رفیقی هروی» (۱۴۰۱) از حمیدالله کامگار توسط نشر جوان با همکاری نشر کامگار در هرات منتشر شده است. تا قبل از چاپ این اثر محققان و پژوهشگران سه رساله منظوم با عنوان رسم الخط و آداب الخط و یک رساله منثور به نام خط و سواد یا سواد الخط را به مجنون رفیقی نسبت داده‌اند؛ در حالی که در این کتاب به هفت رساله اشاره شده و رسالاتی مانند (رساله ناز و نیاز، رساله‌ای در حل رنگ‌ها) معرفی گردیده است. همچنین مقاله «مطالعه تطبیقی شکل نقطه در خط نستعلیق به شیوه سنتی با اجرای نقطه در تحریرات رایانه‌ای» (۱۳۹۸) در فصلنامه علمی نگره از هدا کاسپور و عبدالرضا چارئی؛ هدف اصلی نویسندگان در این تحقیق شناسایی دقیق شکل نقطه در خط نستعلیق به شیوه سنتی و ارتباط آن با اجرای یارانه‌ای نقطه بر اساس اصول و قواعد سنتی بوده است. از دیگر مقالات هم‌راستا و مرتبط با تحقیق حاضر می‌توان به مقاله «معرفی مجنون رفیقی هروی و بررسی نقش او در تدوین رسالات خوشنویسی» (۱۳۹۸) در همایش ملی خوشنویسی و نگارگری از دلارام کاردار طهران اشاره کرد که به معرفی مجنون رفیقی هروی و بررسی او در تدوین رسالات خوشنویسی به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی پرداخته است.

مقاله «بررسی بصری رابطه نقطه و فضا در گرافیک خط نستعلیق، شیوه‌های صفوی و معاصر (با تاکید بر آثار میرعماد و غلامحسین امیرخانی)» (۱۳۹۷) از روح‌الله اسحاق‌زاده، حمید صادقیان و الهام روحانی اصفهانی در نشریه هنرهای تجسمی کاربردی که هدف اصلی این مقاله بررسی نقش نقطه از منظر اصول و مبانی هنرهای تجسمی در مقایسه‌ی آثار خط میرعمادالحسنی (هنرمند دوره صفوی) و غلامحسین امیرخانی (شیوه غالب معاصر) بوده است. پایان‌نامه «بررسی نقش نقطه در زیباشناسی خط نستعلیق» (۱۳۹۴) از حسین بخشی که در این پژوهش توجهی خاص به نقطه از منظر عرفانی و محتوایی در خوشنویسی و همچنین از بعد کاربردی آن در خط نستعلیق شده است. در این تحقیق ، تلاش شده است که جایگاه اصلی نقطه در خط نستعلیق به صورت زیبایی‌شناسی بررسی شود و اهمیت آن در عرصه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین این مطالعه با این هدف انجام شده که نقطه را از جنبه‌های مختلف و ابعادی فراتر از عنصر تجسمی صِرف، مورد مطالعه قرار داده است تا ارتباط میان آن و هنرهای نوشتاری را مورد بررسی قرار دهد. همچنین در کتاب «مجنون رفیقی هروی» (۱۳۹۳) از علی‌اکبر ولایتی که نویسنده روزگار، زندگی و آثار این خوشنویس عصر صفوی را تشریح کرده است. علاوه بر این، در بررسی‌های انجام شده در باب موضوع پژوهشی حاضر، پایان‌نامه «نقش نقطه در خوشنویسی و عملکرد آن در طراحی حروف» (۱۳۹۳) از محمد سجاد قایمی بجگان بوده که با هدف بررسی نقطه در هنر خوشنویسی و مطالعه‌ی کارکرد آن در طراحی حروف فارسی انجام گرفته است.

از آن جایی که بر طبق پژوهش‌های پیشین ذکر شده، امکان مطالعه و بررسی رسالات آموزشی که در زمره منابع دست اول هنر خوشنویسی محسوب می‌شود؛ چنانکه شایسته است، مورد توجه محققان قرار نگرفته است. بنابراین، این مقاله با تمرکز بر بررسی نقش نقطه در مباحث خوشنویسی به بازخوانی و تحلیل رسالات مجنون رفیقی هروی پرداخته است.

یافته‌های پژوهش

۱. نقش مکتوب رساله‌ها در آموزش خوشنویسی

هنر خط و خوشنویسی مانند هر فن دیگری مستلزم پرورش و تربیت ذوق و استعداد است. در گذشته برای آموزش خط خوش یعنی خطی که ارزش و اعتبار داشته باشد، کم و بیش در تمامی دوره‌ها روش مشابه و یکسانی وجود داشت. علاقه‌مند به هنر خوشنویسی باید استادی می‌یافت تا به صورت انفرادی یا در گروهی کوچک، حرف به حرف او را آموزش می‌داد (شیمل، ۱۳۸۹: ۷۱). تا جایی که درک محضر استادان بزرگ یکی از عوامل عمده‌ی رشد و پیشرفت شاگرد دانسته می‌شد. ابن‌خلدون در کتاب مقدمه، با اشاره به آموزش خوشنویسی و اهمیت حضور استاد در مصر بیان کرده است که برای آموختن خط، استادان مخصوصی دارند که اشکال و خصوصیات حروف را بر طبق اصول و قواعد رایج ترسیم می‌کنند و با این روش خط را به شاگردان می‌آموزند که به طور حسی آن را یاد می‌گیرند و هم از حیث علمی یعنی مهارت در نوشتن و هم از جنبه نظری یعنی آموزش قوانین علمی در آن توانایی می‌یابند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ۸۲۹). در حقیقت، نظام انتقال دانش در هنر خوشنویسی ریشه

در نظام سنتی استاد-شاگردی دارد؛ که بستر اصلی شکل‌گیری نظام نظری آن است. آموزش خوشنویسی در بهترین حالت همان آموزش سنتی، استاد شاگردی است که تک‌تک هنرجویان در کنار استاد می‌نشینند و به صورت انفرادی از او آموزش می‌گیرند. بنابراین در این شیوه آموزش که مبتنی بر مشق کردن زیر نظر استاد، شکل گرفته؛ با مشق‌ها و تمرینات عملی مداوم و متوالی ممکن است. تعالیم استاد، در ادامه ملاحضات زیبایی‌شناختی و پایبندی به اصول و روش پیشینیان صورت می‌گیرد و مشق و آموختن خط از فراگیری حضوری همراه با کسب اخلاق پسندیده و ملکات اخلاقی نزد استاد حاصل می‌شود. علی‌رغم این که در گذشته هم آموزش سنتی خوشنویسی به صورت حضوری و در مجاورت استاد انجام می‌گرفت؛ با این وجود، به سبب اهمیت این هنر، گاه اساتید خط رموز و فنون کار را به صورت مکتوب هم انتشار می‌دادند (آزادی‌ور، ۱۳۷۹: ۸۴). به بیانی دیگر نوع دیگر از روش آموزش استاد- شاگردی در خوشنویسی، ریشه در مکتوبات تعلیمی دارد؛ که همواره از طریق رساله‌های آموزشی و انتقال دانش و تجربیات استاد به شاگرد حفظ و تداوم یافته است. تدوین این رسائل در سنت پیشینیان خط، امری رایج بوده و هر استادی با ثبت اندوخته‌ها و تجربه‌های خود اثری مکتوب به صورت فشرده و مختصر، در عرصه خوشنویسی از خود بر جای گذاشته است. «در حقیقت، رساله خوشنویسی در وادی خط، آخرین مرحله اکمال و پختگی خوشنویسی در دو کفه توانایی عملی و دانش نظری است» (تیموری، ۱۳۹۸، ۲۰۷) و ارزش این اطلاعات مکتوب در باب مباحث نظری هنر خوشنویسی به این دلیل است که مولف، استادی کارآزموده و آشنا به رموز و فنون خط بوده و بهترین دستورها را ذکر کرده است. در همین جا باید خاطر نشان کرد که منابع مکتوب فارسی در فراگیری هنر خوشنویسی و شرح احوال خوشنویسان، نسبت به سایر هنرهای ایرانی قابل توجه بوده و محور موضوعی آنان معطوف به تاریخچه خط، اصول و قواعد و لوازم کار خوشنویسی و کتابت است.

نخستین رسائل خوشنویسی در قرن سوم هجری، هم‌زمان با برپایی نظام دیوانی و تدوین خطوط شش‌گانه تالیف شد. در این منابع، ارزش مولفه اصول و قواعد در شکل‌گیری زیبایی‌شناسی هنر خوشنویسی روشن گردید (اورنگی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۰۱). گام‌های نخست تدوین و تالیف رسائل خوشنویسی مدیون اقدامات ابن‌مقله و شاگردش ابن‌بواب، بوده که نقش بنیادی در نظام نظری خط و تثبیت استانداردهای زیبایی‌شناختی آن ایفا کرده است. ابن‌مقله بنیان قواعد خود را بر نقطه پایه‌گذاری کرد و دوازده قاعده برای کیفیت و امتیاز خط تدوین نمود که مولانا سلطانعلی مشهدی آن را در قالب نظم سرود و بعد از آن باباشاه اصفهانی با بیان عرفانی آن را اساس خط نستعلیق قرار داد (سلطانی، ۱۳۹۷: ۷۳). از آثار بر جای مانده از ابن‌مقله می‌توان به رساله فی علم الخط و القلم و رساله فی میزان الخط اشاره کرد. ابن‌بواب اشعاری در صنعت خط و اسباب آن سروده که از برجسته‌ترین آثار ادبی او محسوب می‌شود (خوشرو، ۱۳۷۸: ۱۴۲). این قصیده که در باب آموزش فن خط و آداب و آیین خوشنویسی سروده شده است؛ نکات مهمی مانند تراش خاص قلم و انتخاب مرکب درست را به دستاورد ابن‌مقله افزود. به نظر می‌آید که به تقلید از ابن‌مقله و ابن‌بواب، رساله‌نویسی در امر آموزش خوشنویسی متداول شد؛ که بسیاری از خوشنویسان این شیوه را دنبال کردند. از جمله می‌توان به سلطانعلی مشهدی در رساله صراط‌السطور، بابا شاه اصفهانی در رساله آداب‌المشق،

مجنون رفیقی هروی در رساله رسم‌الخط، درویش محمد بن دوست محمد بخاری در رساله فوائدالخطوط و... اشاره کرد. محتوا و متن کمابیش یکسان این رسالات و متون تاریخی، بر اهمیت فراگیری قواعد فن خط دلالت دارد و حاکی از قوانین پایدار آموزش خوشنویسی در ادوار مختلف است. اگرچه ابن‌مقله قواعد و روش‌های علمی در خط را ایجاد کرد و ابن‌بواب، با بهره‌گیری از قالب شعری، بستری برای حفظ این قوانین ایجاد کرد، اما با گذشت قرن‌ها، این سنت از قالب‌های صرفا ادبی فراتر رفته و به سوی تنوعی در شیوه‌های بیان فنی و آموزشی حرکت کرده است.

بدین ترتیب، بخشی از قابلیت یادگیری خوشنویسی بر اساس اصول و قواعدی مشخص و معین است؛ بخش دیگر با آموزش و تمرین و تکرار متوالی حاصل می‌شود. شاید بتوان گفت که در فرایند آموزش این دو بخش متفاوت، می‌توانند مکمل هم باشند. رسالات خوشنویسی که با هدف ثبت و نشر مبانی نظری تالیف و تدوین شده است، در نظر دارد که به موازات ارائه اطلاعاتی پیرامون دانش نظری خوشنویسی، فراگیران را در جهت آموزش و کسب مهارت عملی یاری دهد. آموزش نظری و مبانی علمی مندرج در رسالات، می‌تواند سبب تجزیه و تحلیل راز و رمز خط شود و تفهیم شیوه اجرای عملی را میسر سازد. به عبارتی دیگر، رساله‌ها در واقع متن مکتوب یک رابطه شفاهی هستند که دانش ضمنی (مهارت در مشق) را به دانش بیانی (قواعد مکتوب) تبدیل می‌کنند. این متون مکتوب، صرفا کتاب نیستند یا یک اثر ادبی، بلکه ابزاری برای حفظ و درونی کردن چارچوب‌ها و استانداردهای آموزشی خط در ذهن شاگرد است.

۲. مجنون رفیقی هروی، خوشنویس درخشان مکتب هرات

مجنون رفیقی هروی یا مولانا مجنون از خوشنویسان و شاعران مکتب هرات در نیمه نخست قرن دهم هجری بوده است. وی خود را مخترع خط توامان دانسته و در چپ‌نویسی هم مشهور بوده است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۳۲). در منابع تاریخی، نام او اغلب به صورت «مجنون بن جمال‌الدین» ثبت شده و از او با القابی چون رفیقی و گاه «توامان‌نویس» یاد کرده‌اند؛ یعنی هنرمندی که در شیوه‌های خاص و مهارت‌های کم‌نظیر خطاطی شهرت داشته است (ایرانی، ۱۳۶۳؟، ۲۱۶– ۲۱۵). زندگی او در دوران شکوه فرهنگی و هنری هرات تیموری، بستری فراهم آورد تا مجنون علاوه بر مهارت عملی در خط، به تدوین و مکتوب کردن قواعد آموزشی خط اهتمام ورزد. اهمیت مجنون هروی فراتر از جنبه‌های عملی خوشنویسی است. او در کنار هنرمندانی چون میرعلی هروی، نقش مهمی در تبیین قواعد زیبایی‌شاختی خط ایفا کرد. مجنون یگانه هنرمندی است که در باب خط و خوشنویسی صاحب سه رساله آموزشی است (قلیچ‌خانی، ۱۴۰۱: ۷۵)؛ که از کهن‌ترین و معتبرترین منابع نظری در باب آموزش، ابزارشناسی و قواعد هندسی خط نستعلیق محسوب می‌شوند. علاوه بر فعالیت در حوزه خوشنویسی، مجنون هروی به گواهی منابعی چون «تحفه سامی» اثر سام میرزا، طبعی در شعر نیز داشته و منظومه‌هایی مانند «شطرنج‌نامه» و «ناز و نیاز» به او نسبت می‌دهند (بلخاری، ۱۳۹۹). رساله «رسم الخط» سروده مجنون رفیقی شامل سه نسخه است. این اثر از رسالات باارزش است که سرمشقی برای مولفان رسالات بعد از خود بوده است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۵– ۱۶). رساله «آداب الخط» رساله‌ای به نظم سروده مجنون از روی

نسخه کامل کتابخانه ملی ملک به شماره ۵/ ۴۲۱۱ به چاپ رسیده است. از این رساله نسخه‌ای ناقص نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از قرن یازدهم هجری وجود دارد. این رساله ازحیث قواعد حروف و کلمات و موارد دیگر دارای ارزش و اهمیت است (همان: ۱۳). رساله «خط و سواد» رساله دیگری از مجنون رفیقی هروی است با موضوع قواعد خوشنویسی نستعلیق و همچنین ذکر هنرمندان خط تدوین و تهیه شده است.

۳. رساله رسم الخط

نخستین رساله مجنون رفیقی، رسم الخط (سروده ۹۰۹ یا ۹۴۰) نام دارد که با این ابیات شروع می‌شود:

بیا ای خامه، انشای رقم کن به نام کاتب لوح و قلم کن (قلچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۳۳). در ابیات بعدی مولف به اهمیت نقطه اشاره کرده و در بیان آنکه «نقطه» میزان خط است چنین آورده است:

«بدان ای در فنون فضل کامل که خط از نقطه مأخوذ است حاصل

چو دانستی که اصل خط چه چیز است بداند هر که او اهل تمیز است

که در خط نقطه میزانست بی قیل چو اندر شعر افاعیل و تفاعیل» (همان: ۳۹)

همچنین در این رساله ذیل عنوان «نقطه» میزان خط؛ در بخش «صفت الف»، اندازه الف بر پایه نقطه را در خط محقق هشت نقطه، در خط ثلث هفت نقطه و در خط توقیع شش نقطه ذکر شده:

«چو انداز الف گردید مفهوم که هر یک نقطه‌ای چند است معلوم» (همان: ۳۹)

یکی از قواعد اصلی خوشنویسی، قاعده نسبت[1] است و در رسالات آموزشی خط علاوه بر نقطه، اندازه حرف الف و دایره حاصل از قطری به اندازه الف، به عنوان معیار برای تناسب اندازه و شاکله حروف در خوشنویسی ارائه شده است. ساده‌ترین شکلی که از نقطه به وجود می‌آید، «الف» است. الف به عنوان اولین حرف، خود معیاری برای پیدایش حروف دیگر است. در ادامه این ابیات، مجنون رفیقی هروی ضمن تاکید این مولفه در خط، گفته است که هر گاه در خوشنویسی این قانون رعایت نشود، خط «بی‌اصول» است.

«و گر وزنش بدین قانـون نباشـد ز نقصان و خلل بیرون نباشد

ز صافی گر چه دلها را قبول است توان گفتن که این خط بی‌اصول است» (همان: ۴۰- ۳۹)

[1] نسبت یعنی یکسان نوشتن در نگارش مفردات (حروف) یک جنس و مرکبات مشابه، رعایت تناسب و اعتدال در شاکله حروف و کلمات، اندازه‌گیری با توجه به معیارهای مناسب مانند اندازه‌گیری با نقطه.

وی تصریح می‌کند که اگر اندازه حروف بر این معیار استوار نباشد، خط از اصول صحیح خوشنویسی خارج خواهد شد و در زمره «خط بی‌اصول» قرار می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است که او میان «قبول طبع» (زیبایی ظاهری و ذوقی) و «اصول» (دقت و رعایت هندسی) تفکیک قائل شده است؛ بدین معنا که ممکن است خطی از نظر بصری، مقبول دل‌ها باشد (ز صافی گرچه دل‌ها را قبول است)، اما به دلیل عدم انطباق با قواعد عددی الف و نقطه، در زمره «خط بی‌اصول» طبقه‌بندی شود. به نظر می‌آید کیفیت و ویژگی «بی‌اصول» برای خطی به کار می‌رود که در آن اندازه حروف رعایت نشده باشد (صحراگرد، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و به نحوی که اگر در کتابت حروف، شمار نقطه (وزن) اجرا شود، اما شکل حروف صاف نباشد، بهتر از آن است که شکل حرفی با خطی صاف نوشته شده باشد؛ اما قانون نقطه در آن رعایت نشده باشد (فدایی، ۱۳۹۹: ۵۲۲). ذکر این نکته مهم ضروری است که نقطه در رعایت فاصله بین حروف و کلمات هم نقش دارد و از حیث فاصله باید در حد متعادل باشد. استادان خوشنویسی اندازه فواصل را نقطه‌واری ذکر کرده (فضائلی، ۱۳۹۲، ۸۷) و اندازه فواصل حروف و کلمات را هم با معیار نقطه تعیین کرده‌اند.

۳,۱. خط به مثابه اصل هندسی و مبنای شکل‌گیری ساختار خط

این استاد خوشنویس با این تشبیه، هندسی‌سازی خط را با وزن عروضی در شعر پیوند زده و به این نتیجه رسیده است؛ همان‌گونه که نظام شعر بر پایه اوزان استوار بوده، معیار شاکله و ساختار مفردات و کلمات بر طبق نقطه سنجیده می‌شود. مجنون هروی در رساله رسم الخط، نقطه را از ساحت یک مفهوم انتزاعی و شاعرانه، به سطح یک «واحد اندازه‌گیری» در هندسه حروف ارتقا داده است. همان‌طور که در شعر، افاعیل و تفاعیل از ارکان تشکیل‌دهنده وزن هستند، در خوشنویسی نیز نقطه (که با حرکت قلم در لحظه تماس با کاغذ ایجاد می‌شود)، واحد اندازه‌گیری حروف و کلمات است. منظور مجنون، این بوده که اگر در خوشنویسی حروف و کلمات با میزان نقطه تنظیم نشود، تناسب اثر به هم می‌خورد؛ درست مثل حذف یک هجای کوتاه یا بلند از وزن عروضی که شعر را از ریتم می‌اندازد. به نظر می‌رسد مجنون هروی با تشبیه نقطه به اوزان عروضی، خوشنویسی را از یک هنر صرفاً ذوقی، به نظامی هندسی و قاعده‌مند ارتقا می‌دهد که در آن، نقطه نه تنها واحد اندازه‌گیری فیزیکی، بلکه ضامن تناسبات طلایی در ساحت بصری است.

۳,۲. نقطه به مثابه واحد اندازه‌گیری و معیار تناسب حروف

این میزان‌سنجی در عمل به صورت یک سیستم دقیق نسبی تعریف می‌شود:

نقطه به مثابه خط‌کش خوشنویس: در این نظام، طراحی حروف و کلمات بر اساس تعداد نقاط همان قلم مشخص، محاسبه می‌شود. مقصود از میزان بودن نقطه این است که برای مثال باید حرف الف در خط نستعلیق به گونه‌ای نوشته شود که ارتفاع آن به اندازه سه نقطه باشد (تصویر ۱) و یا حرف الف در خط ثلث هفت نقطه دارد. البته قابل ذکر است که هر چه قلم بزرگ‌تر باشد زبانه (نوک) قلم بزرگ‌تر خواهد بود و اندازه نقطه‌ای که با آن کتابت می‌شود نیز بزرگ‌تر خواهد بود. این هوشمندی

مجنون است که نقطه را به مقیاسی پویا تبدیل کرده و به این معنا نیست که نسبت، همیشه ثابت است، حتی اگر مقیاس (اندازه قلم) تغییر کند.



تصویر۱. نمونه اندازه‌گیری حروف الف در خط نستعلیق بر مبنای نقطه، ماخذ: نگارنده

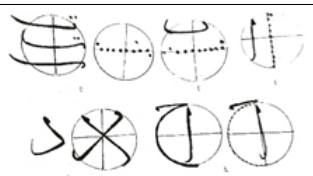
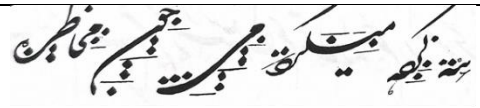
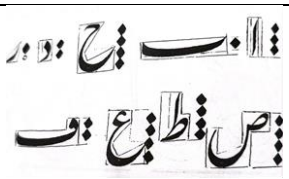
۳,۳. ارتباط مستقیم با هندسه‌ی حروف

مجنون هروی بر تاکید بر اینکه «خط از نقطه مآخوذ است»، بر این نکته صحه می‌گذارد که هیچ حرفی (از الف تا ی) بدون درنظر گرفتن تعداد نقاط تشکیل‌دهنده‌اش، دارای اصالت نیست. در واقع، مجنون با واژه «مآخوذ» (گرفته شده)، ادعای وجودشناسانه‌ای را مطرح می‌کند؛ اینکه نقطه، «ماده الاولیه» خط و «اصل» است. این چندوجهی بودن شخصیت او (خوشنویس، کاتب و شاعر)، دیدگاه او را در تحلیل «نقطه» و جایگاه آن در خط، به نگاهی فلسفی و عارفانه نزدیک کرده؛ به گونه‌ای که نقطه نه فقط به مثابه واحد اندازه‌گیری خط، بلکه به عنوان اصل وجودی و بنیادین زیبایی‌شناسی حروف، در رساله او اهمیت یافته است. نقطه، تجلی وحدت در کثرت است. همان‌طور که از یک نقطه، تمام حروف پدید می‌آیند، از وحدت الهی نیز تمام کثرت هستی پدید آمده است. در عرفان نیز نقطه، سرآغاز هستی است و مجنون اینجا مفهوم اصل‌گرایی و ریشه‌شناسی را وارد خوشنویسی کرده است. او شرط «اهل تمیز» (هنرمند بابصیرت) بودن را در گرو دانستن «اصل» می‌داند. یعنی تا زمانی که خوشنویس جایگاه نقطه را به عنوان «خمیرمایه حروف» نشناسد، به «تمیز» (تشخیص زیبایی) نخواهد رسید.

۴. ۳. خط «بی‌اصول»

مجنون رفیقی هروی اصول کتابت مبتنی بر رعایت اندازه حروف، را قانون مهمی برشمرده است؛ که بر نقش نقطه در قاعده‌مند کردن خط و طراحی حروف دلالت دارد (جدول ۱). وی برای ارزیابی وزن هر حرف، قانون خط را بنا بر نقطه تعیین نموده و به بیانی دیگر، وی «خط بی‌اصول» را نتیجه عدم رعایت «قانون نقطه محور» معرفی کرده است.

جدول ۱. اندازه‌گیری حروف و کلمات بر اساس نقطه، ماخذ: نگارنده

		
سنجش حروف عربی بر اساس قواعد تعلیم راوندی در کتاب راحه الصدور، شیمل، ۱۳۸۹: ۴۶	اندازه‌گیری کلمات بر مبنای نقطه در خط شکسته نستعلیق، فضائلی، ۱۳۹۲: ۱۹۹	اندازه‌گیری کلمات بر مبنای نقطه در خط نستعلیق، فضائلی، ۱۳۹۲: ۱۶۹

۴. رساله خط و سواد (تالیف ۹۴۰ یا ۹۴۵ ه ق)

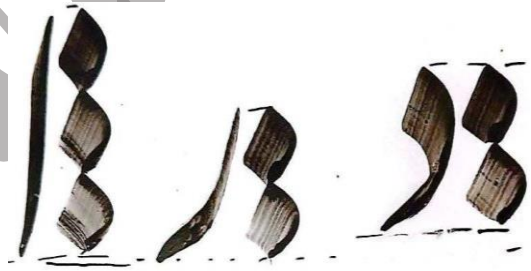
دومین رساله مجنون که دارای شش باب است، خط و سواد نام دارد که بعد از رساله رسم الخط به نثر تالیف شده است. در باب چهارم این رساله در بیان نقطه آمده است :«بدانکه خط از نقطه مآخوذ است و طریقه نقطه نهادن آنست که قلم بسه انگشت گرفته محرف بر کاغذ نهد و مایل به یسار بزیر کشد آنمقدار که مربع متساوی الاضلاع حاصل شود» (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۲۶۴). در ادامه مجنون هروی بیان داشته است که برای نوشتن هر حرف قلم را طوری بر روی کاغذ قرار دهد که «گویا نقطه خواهد نهاد» (همان: ۲۶۴). این استاد بزرگ شیوه خوشنویسی نقطه را مربع کامل ذکر کرده و پایه اصلی طراحی حروف و کلمات را بر اساس همان مربع کامل قرار داده است.

۱. ۴. نقطه به مثابه معیار فرمی

شکل کلی نقطه، مربعی است که گوشه‌های آن در بالا، پایین، چپ و راست قرار می‌گیرد. برای اجرای نقطه، تمام عرض قلم بر روی کاغذ قرار می‌گیرد و همزمان به سمت راست و پایین حرکت می‌کند. در واقع نقطه شکلی است که از حرکت قلم با زوایای نقطه‌گذاری، ایجاد می‌شود و راستای قلم برای هر حرفی که خوشنویس اجرا نماید، باید با اجرای مجدد آن حرف توسط وی، یک زاویه واحد داشته باشد. این نکته که وجود نقطه‌گذاری، چقدر به عنوان یک عامل زیبایی‌شناسی در نظام هنری خط ایفای نقش می‌کند امری مهم است؛ زیرا هنرمند خطاط با الگوبرداری از تجربه اساتید پیشین، اهتمام خود را به رعایت اصول و قواعد مسلم خوشنویسی معطوف می‌کند تا خط را به نهایت پختگی و کمال برساند. بنابراین نقطه‌گذاری را می‌توان نخستین گام و شرط لازم برای ورود به قلمرو آموزش خط برشمرد.

۴،۲. دانگ (واحد اندازه‌گیری در خط)

علاوه بر نقطه، اصطلاحی به نام دانگ (واحد اندازه‌گیری پهنای نوک قلم) هم در تناسبات خط مطرح است. هر دانگ در خوشنویسی یک ششم نقطه است؛ که اگر هر نقطه را به شش قسمت تقسیم کنیم هر کدام از آن شش قسمت یک دانگ خواهد بود. به عبارتی طول و ارتفاع حروف با کمک نقطه تعیین و در دانگ، ضعف (قسمت‌های نازک) و قوت (قسمت‌های پهن و ضخیم) حروف مشخص می‌شود. به عنوان نمونه در این راستا، معیار و اندازه نقطه، اساس و بنیان شیوه‌های خوشنویسی خط نستعلیق را تشکیل می‌دهد و از روی اجرای نقطه می‌توان سبک و شیوه خوشنویس را بررسی و ارزیابی کرد. استادان گذشته نستعلیق (قبل از محمدرضا کلهر)، نگارش نقطه مربع را مبنا قرار داده‌اند؛ که پایه اصلی ترسیم و طراحی حروف و کلمات طبق همان مربع کامل قرار داشت (امیرخانی، ۱۳۷۴: ۴). برخی از استادان نستعلیق‌نویس نقطه شش دانگ و بعضی (در سبک کلهر) نقطه پنج دانگ (مربع کامل) برای اندازه‌گیری انتخاب کرده‌اند (تصویر ۲). لذا یکی از تفاوت‌های شیوه خوشنویسی استادان خط نستعلیق، در اندازه دانگ نقطه‌ها است؛ که به عنوان یکی از مولفه‌های ارزیابی و تحلیل نکته‌های فنی در حوزه خوشنویسی هم کاربرد دارد.



تصویر۲. نمونه اندازه‌گیری حروف در خط نستعلیق بر مبنای نقطه پنج دانگی، ماخذ: (نگارنده)

۵. رساله آداب الخط

سومین رساله مجنون رفیقی هروی، آداب الخط است که با این ابیات آغاز می‌شود.

«ای کاتب هر صحیفه راز لوح قلم تو خامه پرداز» (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۷۷)

این رساله ارزشمند، دارای پنج باب است که باب سوم آن بر شناخت نقطه و بیان حروف مفرده دلالت دارد.

«چون تجربه قلم نمایی اول به نقط بیازمایی

نقطه چو بود خطی مربع چون خشت مربع و مضلع

هر گه نقطه مربع آید بنویس که خط مرصع آید

وان نقطه مربع ار نباشد مجنون قلمی از سر تراشد» (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

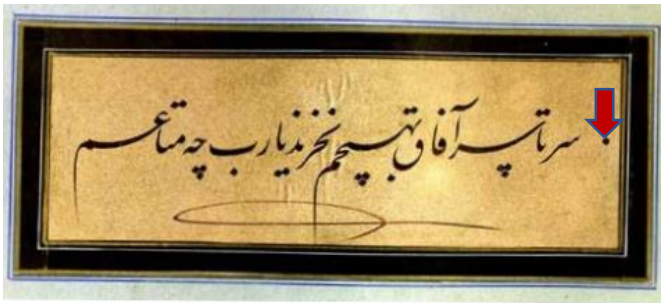
۱. ۵. نقطه به مثابه ابزار ارزیابی و آزمون قلم

مجنون رفیقی هروی معتقد است که علاوه بر نقش نقطه در اندازه‌گیری حروف و کلمات، عنصر نقطه می‌تواند معیار مناسبی برای آزمایش قلم جهت آمادگی خوشنویسی باشد. به نظر می‌رسد در شیوه آموزشی خط در این رساله بر مراحل دقیق و درست تراش قلم، تاکید شده و این استاد خوشنویسی، بر این عقیده بوده است کیفیت تراش قلم در اثر خوشنویسی تاثیر زیادی داشته؛ به طوری که اگر قلم در اجرای نگارش نقطه خوب عمل نکرد، نیاز به تراش مجدد دارد. در حقیقت نقطه نشان‌دهنده ارزش و صحت تراش درست از نادرست است، به طوری که اگر قلمی بعد از تراشیدن، شکل نقطه را به درستی اجرا نکرد، هر حرفی که با آن کتابت شود، نادرست خواهد بود (سلطانی، ۱۳۹۷: ۸). همچنین صائب تبریزی، شاعر و خوشنویس عهد صفوی، در بیان این نکته چنین سروده است:

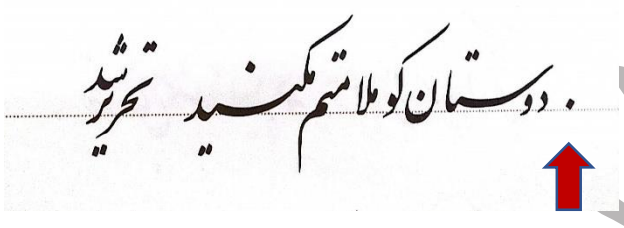
«پروای خال چهره یوسف نمی‌کند صائب ز نقطه قلم امتحان خویش» (محمودی، ۱۳۸۷، ۱۷۱).

۲. ۵. نقطه به مثابه معیار آموزش

به عنوان نمونه باید به یک نکته جالب در آموزش خط اشاره داشت که در نمونه آثار اساتید گذشته خوشنویسی اجرا شده است (تصویر ۳ و ۴). به نظر می‌رسد با گذاشتن نقطه، خوشنویس درستی قلم را امتحان می کرد، و بعد از اطمینان از آماده بودن قلم سطر را می‌نوشت. علاوه بر این ممکن است نوشتن نقطه ابتدای سطر، به لحاظ بصری در تعادل و توازن اثر خوشنویسی هم نقش داشته باشد.



تصویر ۳. قطعه نستعلیق به خط میرزا غلامرضا اصفهانی موجود در موزه ملی ملک، ماخذ: (کریمی، ۱۳۹۳: ۹)



تصویر ۴. نمونه سطرنویسی استاد سید حسین میرخانی، ماخذ: (میم‌باشی، ۱۳۹۱: ۶۵)

۳. ۵. تبیین ماهیت اصطلاح مرصع

از طرفی از متن این رساله، چنین بر می‌آید که در نگاه مجنون هروی نقطه بسیار اهمیت یافته؛ به نحوی که حلقه‌های نظم و تناسب خط را با اصطلاح «مرصع» بیان کرده است. مجنون وقتی از خط مرصع سخن می گوید، منظورش صرفا زیبایی ظاهری نیست؛ بلکه نوعی آراستگی ذاتی است که از رعایت دقیق هندسه (نقطه) ناشی می‌شود. او با پیوند دادن مهارت فنی (تراش قلم) به کمال هندسی (نقطه)، در نهایت زیبایی‌شناسی «مرصع» را نشان می‌دهد؛ که مرصع بودن خط تنها در صورتی ارزشمند است که ریشه در میزان داشته باشد. در اینجا مرصع بودن نه یک صفت انتزاعی یا سلیقه‌ای، بلکه نتیجه‌ی اجرای دقیق تناسبات کمی است. بدین ترتیب، نقطه در نظام فکری مجنون نه تنها آغاز آموزش، که غایت صحت هنری است.

۶. تحلیل تطبیقی سه رساله

بر پایه تحلیل مفهومی داده‌های استخراج‌شده، یافته‌های سه رساله در دو سطح مشترکات و تمایزهای مفهومی بررسی شد. تحلیل سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» نشان می‌دهد که مهم‌ترین کارکرد نقطه در اندیشه مجنون رفیقی هروی، نقش آن به‌عنوان واحد پایه اندازه‌گیری و معیار تعیین تناسب حروف است. در نگاه وی، نقطه تنها نشانه‌ای نوشتاری نیست، بلکه مبنای هندسی تمامی اندازه‌های خط به شمار می‌آید و رعایت نسبت‌های مبتنی بر آن، شرط اساسی صحت کتابت محسوب می‌شود. در رساله رسم‌الخط، مجنون رفیقی ضمن بیان آنکه «نقطه میزان خط است»، اندازه حرف «الف» را در خطوط مختلف بر اساس تعداد مشخصی از نقطه تعریف می‌کند و از این طریق، رابطه میان نقطه، الف و تناسب سایر حروف را تبیین

می‌سازد. وی تصریح می‌کند که اگر اندازه حروف بر این معیار استوار نباشد، خط از اصول صحیح خوشنویسی خارج خواهد شد و در زمره «خط بی‌اصول» قرار می‌گیرد. این تعبیر نشان می‌دهد که از دیدگاه مؤلف، رعایت نسبت‌های عددی مبتنی بر نقطه، صرفاً یک توصیه آموزشی نیست، بلکه اصلی هنجاری در ارزیابی کیفیت خط به شمار می‌رود.

تحلیل این بخش از رساله رسم الخط نشان می‌دهد که اصطلاح «خط بی‌اصول» در آثار مجنون رفیقی صرفاً بیانگر ضعف ظاهری خط نیست، بلکه به انحراف از نظام اندازه‌گیری مبتنی بر نقطه اشاره دارد. ازاین‌رو، ارزش زیبایی‌شناختی خط نیز از نظر وی زمانی اعتبار می‌یابد که بر پایه تناسبات دقیق هندسی استوار باشد. به بیان دیگر، در اندیشه مجنون، زیبایی نتیجه رعایت اصول است، نه جایگزین آن. بررسی متن رساله همچنین نشان می‌دهد که معیار نقطه تنها در اندازه‌گیری ارتفاع حروف کاربرد ندارد، بلکه تعیین فاصله میان حروف و کلمات نیز بر اساس همین واحد انجام می‌شود. بدین ترتیب، نقطه در نظام نظری مجنون رفیقی به معیاری فراگیر برای تنظیم ساختار کلی نوشتار تبدیل می‌شود؛ معیاری که هم شکل مفردات و هم ترکیب کلمات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقایسه این دیدگاه با سنت نظری خوشنویسی ایران نشان می‌دهد که مجنون رفیقی در این بخش، استمرار همان نظام هندسی منسوب به ابن‌مقله را دنبال می‌کند؛ اما تفاوت مهم آثار او در آن است که این نظام را با زبانی آموزشی و کاربردی برای تعلیم خوشنویسان تبیین می‌کند. بنابراین، نقطه در آثار وی صرفاً یک مفهوم نظری نیست، بلکه ابزاری عملی برای آموزش، ارزیابی و اصلاح کتابت محسوب می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نخستین و بنیادی‌ترین کارکرد نقطه در اندیشه مجنون رفیقی، ایجاد یک نظام استاندارد برای اندازه‌گیری و حفظ تناسبات خط است؛ نظامی که مبنای سایر قواعد آموزشی و فنی خوشنویسی نیز قرار می‌گیرد.

کارکرد دیگر نقطه در اندیشه مجنون رفیقی هروی، نقش آن به‌عنوان مبنای هندسی ساختار حروف و کیفیت اجرای خط است. به نحوی که بررسی رساله «خط و سواد» نشان می‌دهد که مؤلف، نقطه را صرفاً واحدی برای اندازه‌گیری نمی‌داند، بلکه آن را نخستین شکل هندسی حاصل از حرکت صحیح قلم معرفی می‌کند؛ شکلی که مبنای طراحی و استقرار تمامی حروف در نظام خوشنویسی است. مجنون رفیقی در بیان شیوه اجرای نقطه، بر نحوه قرار گرفتن قلم، زاویه حرکت و ایجاد «مربع متساوی‌الاضلاع» تأکید می‌کند. این توصیف نشان می‌دهد که از دیدگاه وی، کیفیت نقطه تابع مهارت خوشنویس در کنترل زاویه قلم است و هرگونه تغییر در این زاویه، بر شکل نهایی حروف نیز اثر می‌گذارد. بنابراین، نقطه در رساله خط و سواد تنها یک نشانه بصری نیست، بلکه نتیجه اجرای صحیح یک قاعده هندسی است که سایر اجزای خط نیز بر همان مبنا شکل می‌گیرند. تحلیل این دیدگاه نشان می‌دهد که مجنون رفیقی میان «هندسه قلم» و «هندسه حروف» رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند. بدین معنا که اگر نقطه با نسبت صحیح و به صورت مربع کامل اجرا شود، سایر حروف نیز بر همان مبنای هندسی استوار خواهند شد. در نتیجه، کیفیت خط پیش از آنکه به مهارت در نگارش حروف وابسته باشد، به صحت اجرای نقطه و رعایت اصول هندسی آن بستگی دارد. در این نگاه، اندازه نقطه نه‌تنها ارتفاع و عرض حروف را تعیین می‌کند، بلکه در تنظیم قوت و ضعف قلم و

ایجاد تعادل بصری میان اجزای خط نیز نقش دارد. ازاین‌رو، نقطه به واحد مشترک میان طراحی حروف، انتخاب قلم و کیفیت اجرای خوشنویسی تبدیل می‌شود.

مقایسه این دیدگاه با دیگر رساله‌های خوشنویسی نشان می‌دهد که اگرچه اصل هندسی نقطه از سنت پیشین خوشنویسی به مجنون رفیقی رسیده است، اما وی آن را با زبانی آموزشی و کاربردی بازتفسیر کرده و به صورت دستورالعملی دقیق برای تعلیم خوشنویسان ارائه کرده است. بدین ترتیب، مفهوم نقطه از یک اصل انتزاعی هندسی فراتر رفته و به مبنای عملی شکل‌گیری ساختار خط تبدیل می‌شود. بر اساس این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه مجنون رفیقی، نقطه زیربنای هندسی خوشنویسی است و تمامی تناسبات بصری، کیفیت ساختاری حروف و هماهنگی کلی نوشتار از اجرای صحیح همین عنصر بنیادی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین نقطه را باید نه صرفاً کوچک‌ترین جزء خط، بلکه هسته شکل‌گیری نظام هندسی خوشنویسی در آثار وی دانست.

در رساله «آداب‌الخط» نیز مفهوم نقطه جایگاهی فراتر از یک واحد اندازه‌گیری دارد و در پیوند با آداب، مهارت و کیفیت اجرای خوشنویسی مطرح می‌شود. برخلاف رساله «رسم‌الخط» که بیشتر بر تبیین نسبت‌های هندسی حروف تأکید دارد و رساله «خط و سواد» که چگونگی شکل‌گیری نقطه و ارتباط آن با ساختار هندسی خط را توضیح می‌دهد، در «آداب‌الخط» نقطه بیشتر در مقام معیاری برای سنجش دقت، مهارت و التزام خوشنویس به قواعد کتابت مطرح است. از این منظر، نقطه صرفاً یک عنصر هندسی نیست، بلکه ابزاری برای ارزیابی کیفیت اجرا و میزان تسلط خوشنویس بر اصول نظری و عملی خط به شمار می‌آید. همچنین در رساله آداب‌الخط، مؤلف در تبیین کیفیت مطلوب کتابت به مفهوم «خط مرصع» اشاره می‌کند و آن را در پیوند مستقیم با دقت در تراش قلم و صحت اجرای نقطه قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، زمانی که قلم به‌درستی تراش خورده باشد و خوشنویس بتواند نقطه را مطابق اصول صحیح اجرا کند، نتیجه کار در سطح «خط مرصع» قرار می‌گیرد؛ یعنی خطی که از نظر تناسب، دقت و استواری در بالاترین درجه کیفیت قرار دارد. این ارتباط نشان می‌دهد که در اندیشه مجنون رفیقی هروی، کیفیت نهایی خط نه صرفاً به مهارت در ترسیم حروف، بلکه به درستی نقطه‌گذاری و پیش‌شرط‌های فنی آن، از جمله تراش صحیح قلم وابسته است. بنابراین، «خط مرصع» را می‌توان نتیجه یک زنجیره منسجم دانست که از ابزار (قلم)، به واحد بنیادین (نقطه) و در نهایت به کیفیت نهایی کتابت منتهی می‌شود. مقایسه سه رساله نشان می‌دهد که اگرچه هر یک از آن‌ها بر جنبه‌ای متفاوت از مفهوم نقطه تأکید دارند، اما در مجموع تصویری منسجم از جایگاه این مفهوم در اندیشه مجنون رفیقی هروی ارائه می‌کنند. در «رسم‌الخط»، نقطه بنیان تناسبات هندسی حروف است؛ در «خط و سواد»، مبنای شکل‌گیری ساختار و هندسه خط محسوب می‌شود؛ و در «آداب‌الخط»، معیار آموزش، ارزیابی و سنجش کیفیت کتابت است. بنابراین، مفهوم نقطه در این سه رساله به‌صورت یک نظام نظری و آموزشی یکپارچه قابل تفسیر است که ابعاد هندسی، آموزشی و مهارتی خوشنویسی را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

در نهایت می‌توان گفت مجنون رفیقی با وجود نگارش رسالات خود در سده دهم، همچنان بر اساس سنت نظری قرن چهارم و حفظ اصول هندسی و نظام اندازه‌گذاری ابن‌مقله مبتنی بر نقطه و الف، از کاربرد عملی نقطه سخن گفته و آن را مبنای آموزش خوشنویسی قرار داده است (جدول ۲). وی با یک رویکرد هنجارگذار به خوشنویسی، خط را از یک هنر کاملا شخصی و سلیقه‌ای به یک نظام نظری با قواعد معین و قابل اندازه‌گیری تبدیل کرده است. در واقع از دیدگاه مجنون هروی، اصالت خط در گرو وفاداری آن به میزان‌سنجی نقطه محور است و این مهم در آثار او به صورت یک دستورالعمل فنی در آمده است. در آثار او نقطه تنها یک مفهوم نظری نیست؛ بلکه در هندسه حروف نقش واحد اندازه‌گیری را دارد و ضامن اجرای خط «بااصول» و خط «مرصع» است.

جدول۲. تحلیل مفهوم نقطه در سه رساله مجنون رفیقی هروی، ماخذ: نگارنده

رساله	نقش نقطه در هر رساله	کارکرد مفهومی
رسم الخط	نقطه به مثابه میزان	اساس سنجش و اندازه‌گیری خط، نقطه است
خط و سواد	نقطه به مثابه معیار فرمی	شیوه نقطه در خوشنویسی، مربع کامل است
آداب الخط	نقطه به مثابه ابزار آزمون قلم	نقطه معیار مناسبی برای آزمایش قلم پس از تراشیدن است

نتیجه

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل متن تاریخی و در چارچوب تاریخ اندیشه هنر، به بررسی مفهوم «نقطه» در سه رساله «رسم‌الخط»، «خط و سواد» و «آداب‌الخط» اثر مجنون رفیقی هروی پرداخت. برخلاف رویکردهای توصیفی که صرفاً به نقل

مضامین رساله‌های خوشنویسی اکتفا می‌کنند، در این پژوهش تلاش شد تا کارکردهای مفهومی نقطه استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شود. نتایج نشان داد که نقطه در اندیشه مجنون رفیقی مفهومی چندلایه و بنیادین است و تنها به عنوان واحد اندازه‌گیری حروف مطرح نیست، بلکه چهار کارکرد اصلی در نظام نظری خوشنویسی وی دارد: واحد سنجش تناسبات حروف، مبنای هندسی ساختار خط، معیار آموزش خوشنویسی و ابزار ارزیابی کیفیت قلم و کتابت. تحلیل تطبیقی سه رساله نشان داد که مجنون رفیقی با حفظ میراث هندسی سنت ابن‌مقله، آن را از سطح یک نظریه صرف به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های آموزشی و عملی برای تعلیم خوشنویسان تبدیل کرده است. بدین ترتیب، مفهوم نقطه در آثار او نه‌تنها مبنای شکل‌گیری تناسبات هندسی حروف است، بلکه معیار تشخیص «خط بااصول» از «خط بی‌اصول» و نیز شاخص سنجش مهارت خوشنویس در اجرای صحیح قلم به شمار می‌آید. این امر نشان می‌دهد که در نظام فکری مجنون رفیقی، زیبایی خط نتیجه رعایت قواعد هندسی و آموزشی است و نه صرفاً حاصل ذوق و مهارت فردی. تحلیل حاضر نشان داد که برخلاف برداشت رایج از نقطه به عنوان یک واحد اندازه‌گیری، این مفهوم در رساله‌های مجنون رفیقی نقشی بنیادین در سازمان‌دهی کل نظام نظری خوشنویسی ایفا می‌کند و حلقه اتصال میان ابزار، هندسه حروف، شیوه آموزش و معیارهای ارزیابی کیفیت خط است.

از منظر نوآوری، پژوهش حاضر در شمار معدود مطالعاتی است که مفهوم نقطه را به صورت تطبیقی در هر سه رساله شناخته‌شده مجنون رفیقی هروی بررسی کرده و با طبقه‌بندی کارکردهای آن، تصویری منسجم از جایگاه این مفهوم در اندیشه خوشنویسی سده دهم هجری ارائه می‌دهد. این رویکرد، پژوهش را از سطح گزارش محتوای رساله‌ها فراتر برده و امکان تحلیل ساختار نظری آموزش خوشنویسی را فراهم ساخته است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات تطبیقی در تاریخ نظری خوشنویسی ایران و بررسی تحول مفاهیم بنیادین این هنر در دوره‌های بعد باشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مفهوم نقطه در رساله‌های دیگر خوشنویسان، از جمله آثار سلطانعلی مشهدی، میرعلی هروی، باباشاه اصفهانی و ... به شیوه‌ای تطبیقی بررسی شود. همچنین مطالعه تحول مفهوم نقطه از دوره ابن‌مقله تا دوره صفوی می‌تواند در شناخت سیر تحول اندیشه نظری خوشنویسی ایران نقش مؤثری ایفا کند. افزون بر این، بهره‌گیری از روش‌های تحلیل مفهومی و تحلیل گفتمان در مطالعه رساله‌های خوشنویسی می‌تواند ابعاد تازه‌ای از نظام نظری خوشنویسان ایرانی را آشکار سازد.

منابع

ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۶). مقدمه ابن‌خلدون. جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.

آزادی‌ور، هوشنگ. (۱۳۷۹). بدیهه‌سازی، شیوه بیان هنری در فرهنگ سنتی ایرانی و اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

امانی، حجت. (۱۴۰۲). «بررسی تاثیر حروفیه بر رساله خوشنویسی قوانین الخطوط محمود بن محمد»، مجموعه مقالات برگزیده اولین دوره همایش ملی دوسالانه خوشنویسی، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.

امیرخانی، غلام‌حسین. (۱۳۷۱). آداب الخط امیرخانی، تهران: انجمن خوشنویسان ایران.

اورنگی، زهرا سید رضی موسوی گیلانی و احسان پورنعمان (۱۴۰۱)، «تبیین وجوه زیبایی‌شناختی قواعد سیال در هنر خوشنویسی (با استناد به رساله‌های خوشنویسی سده ششم تا یازدهم هجری)»، الهیات هنر، سال نهم ش ۲۲، صص ۲۱۸- ۱۹۷.

ایرانی، عبدالمحمد. (۱۳۶۳؟). پیدایش خط و خطاطان، تهران: یساولی.

بلخاری، حسن. (۱۳۹۹). نقش عظیم ایرانیان در ظهور و بالندگی خوشنویسی ایران، سایت خبرگزاری مهر.

پاک‌راد (سنگینان)، امان‌الله. (۱۳۹۳). مبانی ترکیب در نستعلیق. تهران: برگ نو.

تیموری، کاوه (۱۳۸۹). بررسی زندگی و آثار خوشنویسی غلامحسین امیرخانی. تهران: علمی و فرهنگی.

خزائی، محمد. (۱۳۷۸). «معرفی قرآن منحصر بفرد ابن‌بواب در کتابخانه چستربیتی شهر دوبلین»، مجموعه مقالات دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم بزرگداشت ابن‌بواب (علی بن هلال بیضاوی) مذهب و خوشنویس بزرگ قرن چهارم هجری، تهران: یزدانی.

خوشرو، فاطمه (۱۳۷۸). «ابوالحسن علی بن هلال (ابن‌بواب)»، مجموعه مقالات دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم بزرگداشت ابن‌بواب (علی بن هلال بیضاوی) مذهب و خوشنویس بزرگ قرن چهارم هجری، تهران: یزدانی.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۹۷). نقطه و جلوه‌های آن و مثلث ثلث، تهران: اطلاعات.

شیمل، آن‌ماری. (۱۳۸۹). خوشنویسی و فرهنگ اسلامی. ترجمه: اسدالله آزاد، مشهد: به‌نشر.

صحراگرد، مهدی. (۱۳۹۴). «چهل اصطلاح در داوری خط»، مجموعه مقالات، دفتر اول پژوهش‌های معماری و هنر (تاریخ و نظر) به کوشش مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.

فدایی، محمد. (۱۳۹۹). «دو معنای «اصول» و «اختلاف» در «اجزای خط» (در متن‌ها و رساله‌های فارسی- مربوط به خوشنویسی- از سده‌ی هفتم تا چهاردهم)، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۵۳، ش ۲، صص: ۵۳۷- ۵۱۳.

فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۹۲). تعلیم خط. تهران: سروش.

قطاع، محمدمهدی. (۱۳۸۳). «مبانی زیبایی‌شناسی در شیوه میرعماد»، کتاب ماه هنر. شماره ۶۹ و ۷۰، صص: ۱۱۱- ۱۰۴.

قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته. تهران: روزنه.

قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۴۰۱). «بررسی اصالت رساله مداد الخطوط منسوب به میرعلی هروی در مقایسه با رساله خط و سواد از مجنون رفیقی»، دو فصلنامه پژوهش هنر، سال ۱۲، شماره ۲۳، صص ۷۳- ۸۲.

کریمی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). «نگاهی به زندگی و آثار استاد میرزا غلامرضا اصفهانی»، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دوره ۵، ش ۲۲ و ۲۳، صص ۱۵- ۱.

محمودی، آزاد. (۱۳۸۷). اصطلاحات خوشنویسی در شعر شاعران بزرگ ایران. تهران: فرهنگستان هنر.

میم‌باشی، داوود. (۱۳۹۱). سرمشق‌هایی از استاد سید حسین میرخانی، تهران: خانه هنرمندان.

From the Mizan Point to the Inlaid Calligraphy (Study of the Role of the Point in Calligraphy with a Look at the Treatises of Majnun Rafighi Heravi)

Calligraphy treatises are written works of the accumulation and experiences of calligraphy masters; they were written to enhance theoretical knowledge and practical ability in the field of this valuable art. Majnun Rafiqi Heravi was one of the poets and calligraphers of the Timurid era of Herat, who left behind two verse treatises and one prose treatise in the field of calligraphy and calligraphy. These treatises cover topics such as the principles and rules of calligraphy, writing etiquette, introducing calligraphy tools and supplies, mentioning calligraphy masters and stating their rank, etc. The points and materials presented about the "dot" in calligraphy are also one of the issues that Rafiqi Heravi has explained in these treatises. With the general aim of investigating the role of the dot in calligraphy, this research has reread three treatises on calligraphy and literacy, calligraphy drawing, and calligraphy etiquette by Majnun Rafiqi Heravi. The present research seeks to answer the question of what Majnun Rafiqi Heravi's view was on the role and function of the dot in calligraphy? The method of collecting information was through library sources and was done with a descriptive-analytical method. Considering the findings of the research, it was concluded that Majnun Rafiqi Heravi introduced the dot in his treatises as the measure and scale of the line. Also, while explaining the method of calligraphy dot as a complete square, he considered the function of dotting effective for testing the correctness or incorrectness of the pen sharpening.

Keywords: Calligraphy, calligraphy treatises, dots, Majnun Rafiqi Heravi.